



The Critical Analysis of the Views of Allāma Tabātabā'i and Āyatollāh Ma'refat about the Interior of the Noble Qur'an

Mahyār Khani Moqaddam* | Seyyede Sa'ideh Gharavi**

Received: 2020/11/6 | Accepted: 2021/5/3

Abstract

One of the challenging discussions about the *Qur'an* is the issue of its interior that has been confronted with different analyses of the commentators. The ideas of Allāma Tabātabā'i and Āyatollāh Ma'refat in this regard are sometimes either different or contradictory so the present study using a descriptive-analytical approach reviews how and why the views of these two contemporary Shi'ite interpreters about the Qur'anic Interior and its relevant aspects are different. The results show that: 1. Both of the commentators regard Batn (the interior) as merely "meaning" but in their exegesis, they also consider an "evidence" for that named "interpretation" and "adaptation"; based on traditions, the Interior should be recognized as "meaning" and "evidence"; 2. Allāma regards the interior identical with the words comparative objectives and Āyatollāh Ma'refat considers it to be the obligatory objective of the speech but the interior evidences of Allāma have obligatory implications as well; 3. Allāma maintains that the spread of the interior encompasses all the Qur'anic verses and Āyatollāh Ma'refat after disregarding the interior for the verses of Ahkām, deals with that in his subsequent works and considers a wide range for the verses that have the interior; 4. both thinkers do not hold achieving the interior limited to those who are infallible but Allāma maintains that its discovery would be possible through contemplation and Āyatollāh Ma'refat believes that it is possible by Tanqih-e Manāt (inference), negation of the feature, and making that public.



Keywords: Interior of the *Qur'an*, Interior Exegesis, Scholars of the Interiors, Āyatollāh Ma'refat, Allāma Tabātabā'i

* Assistant Professor at the Department of the Qur'an and Hadith, University of Gilan, Rasht, Iran (Corresponding Author) | m.khani@guilan.ac.ir

** Assistant Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, University of Qom, Qom, Iran | saeedehgharavi@yahoo.com

□ Khani Moqaddam, M; Gharavi, S.S. (2021) The Critical Analysis of the Views of Allāma Tabātabā'i and Āyatollāh Ma'refat about the Interior of the Noble Qur'an. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 127-157. Doi: 10.22091/PTT.2021.5483.1751





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبائی و آیت‌الله معرفت درباره بطن قرآن کریم

دکتر مهیار خانی مقدم* | دکتر سیده سعیده غروی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۶ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۳

چکیده

مسئله بطن، از جمله مباحث چالشی در مورد قرآن است که مفسران تحلیل‌های مختلفی درباره آن داشته‌اند. آراء علامه طباطبائی و آیت‌الله معرفت نیز در این باره، گاهی مختلف و گاهی متعارض هستند که پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چگونگی و چرایی دیدگاه این دو مفسر معاصر شیعه، درباره بطن قرآن و ابعاد مرتبط با آن می‌پردازد. بر اساس نتایج پژوهش، اولاً هر دو مفسر، بطن را صرفاً «معنا» دانسته‌اند اما در تفسیر، «مصدق» را نیز با عنوان «تأویل» و «جری» برای آن فائلند؛ بر اساس روایات، باید بطن را «معنا» و «مصدق» دانست. ثانیاً علامه، بطن را از نسخ مدلولات مطابقی الفاظ و آیت‌الله معرفت، آن را مدلول التزامی کلام می‌داند؛ اما نمونه‌های بطنی علامه، دارای دلالت التزامی است. ثالثاً علامه، گستره بطن را شامل همه آیات قرآن دانسته و آیت‌الله معرفت نیز با وجود در نظر نگرفتن بطن برای آیات الاحکام، در آثار بعدی به بیان بطن برای آن‌ها پرداخته و گستره آیات دارای بطن را وسیع در نظر گرفته است. رابعاً، هر دو اندیشه‌ور، دست‌یابی به باطن را منحصر به معصوم ندانسته، اما علامه راه کشف آن را از طریق تدبیر ممکن می‌داند و آیت‌الله معرفت، از طریق تنقیح مناط و الغای خصوصیت و همگانی کردن آن.

کلیدواژگان: بطن قرآن، تفسیر بطنی، عالمان بطون، آیت‌الله معرفت، علامه طباطبائی.

* استادیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه گیلان؛ رشت، ایران (نویسنده مسئول) | m.khani@guilan.ac.ir

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم؛ قم، ایران | saeedehgharavi@yahoo.com

بیان مساله

همانند سایر کتب مقدس که پیروان آن‌ها قائل به بطن هستند (Montague, 1977, 35-36)، وجود بطن در قرآن نیز مورد اتفاق مسلمانان است و دلایل قرآنی (تبیان بودن قرآن برای همه چیز: نحل/۸۹؛ یوسف/۱۱۱)، روایی (صفار، ۱۴۰۴ق: ۱/۱۹۶؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۲/۴۵۹) و عقلی (بابایی، ۱۳۷۷ش: ۸) دارد. تفسیر بطن قرآن از زمان پیامبر (ص) (قرطبی، بی‌تا: ۳۰۱/۷) و صحابه (بخاری، ۱۴۰۷ق: ۶/۵۷۴) مورد اهتمام بود، اما در خصوص چگونگی کمی و کیفی بطن قرآن در میان مسلمانان، تبادل و تفاوت نظر وجود داشته و اهل بیت (ع) نیز ارشادهای لازم را بیان فرمودند؛ برای نمونه، امام باقر (ع) فرمود: «ظَهَرَتْ تَنْزِيلُهُ وَبَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَىٰ وَمِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كَمَا جَاءَ تَأْوِيلُ شَيْءٍ مِنْهُ يَكُونُ عَلَى الْأَمْوَاتِ كَمَا يَكُونُ عَلَى الْأَحْيَاءِ» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱/۲۹) «ظهر قرآن تنزیلش و بطن آن تأویلش است. برخی از تأویل آن آمده و برخی از تأویل آن نیامده است. (تأویل آن) چون جریان خورشید و ماه جریان دارد. هرگاه تأویل آیه‌ای بیاید، چنان که بر گذشتگان بوده، بر زندگان نیز هست».

اختلاف اعتقاد به بطون نزد قرآن پژوهان در تفسیر قرآن، کارکردهای خود را دارد. به نظر می‌رسد علامه طباطبایی، نخستین قرآن پژوهی است که به بررسی گسترده درباره معنا و مفهوم ظاهر و باطن و تعیین حدود و چارچوب آن پرداخت (رستمی، ۱۳۸۰ش: ۵۴). از جمله صاحب نظرانی که پس از ایشان، به تحلیل نظریات وی پرداخت، آیت‌الله معرفت است (معرفت، ۱۴۱۸ق: ۱/۲۴) و هر دو مفسر، دارای نوآوری‌های علمی در مبانی تفسیر و فهم قرآنند. مطالعه نظریات این دو دانشمند درباره بطن قرآن، مخاطب را با دیدگاه‌های مختلف و گاه متعارضی مواجه می‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد پاسخ به این سوال‌هاست که تحلیل انتقادی دیدگاه آیت‌الله معرفت و علامه طباطبایی درباره ابعاد مختلف بطن قرآن، چه آموزه‌هایی را به دست می‌دهد و آراء کدام یک و بر اساس کدام مبانی، درست است؟

پیشینه پژوهش

درباره پیشینه نگرش به مساله بطن قرآن، به رغم آن که برخی از افراد، اعتقاد به باطن را

از بدعت‌های شیعه برای توجیه عقایدشان می‌دانند (ابن تیمیه، ۱۴۰۸ق: ۴۵/۲ تا ۳۹)، عموم دانشمندان اهل سنت (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۵/۱؛ قرطبی، بی‌تا: ۳۰۱/۷)، بر وجود آن معتقدند و تلاش برای نگرش فرقه‌ای یا ساختگی جلوه دادن روایات مرتبط، یهوده است (شاکر، ۱۳۸۲ش: ۱۵۸-۱۶۱)؛ البته گرایش به تفسیر باطنی، به دلایلی از جمله تلاش مسلمانان برای رویارویی با اندیشه‌های تازه‌وارد یونانی در حوزه فرهنگ اسلامی در قرن دوم هجری، رونق بیش‌تری یافت (هاشمی، ۱۳۷۹ش: ۳۶) و رشد آن در میان اهل عرفان و تصوف، بیش‌تر بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵ش: ۲۴۴). فارغ از افرادی که به عدم جواز تفسیر برای غیرمعصوم معتقدند (استرآبادی، ۱۴۲۴ق: ۹۷-۹۹؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۷۶/۲۷)، برخی افراد با تفسیر باطنی قرآن، مخالفت کرده، قائلند همه معارف دین را باید از ظاهر آیات به دست آورد (ابن حزم، ۱۳۹۵ق: ۱۷/۱) و بعضی دیگر با پای‌بندی به مکتب روایی محض، استنباط از آیات را تنها شایسته معصومان (ع) می‌دانند. در مقابل، برخی با تفسیر «بطن» به لوازم منطقی کلام، فهم آن را مختص به امامان (ع) نمی‌دانند (نکونام، ۱۳۸۲ش: ۶۴/۲) و ضمن پذیرفتن بطن، نگرش یکسانی ندارند. عده‌ای با تأکید بر اصالت بطن آیات الهی، آن را مقصود اصلی دانسته، ظاهر آیات الهی را حجت نمی‌دانند. اسماعیلیه، باطن آیات را عاملی برای تأیید عقایدشان می‌دانند (جرجانی، ۱۳۲۵ق: ۸/۳۸۸). شیعه امامیه، مقاصد قرآن را صرفاً در معانی ظاهری الفاظ نمی‌داند و مقاصد به عمیق‌تری در ورای ظاهر الفاظ، معتقد است (طباطبائی، ۱۳۹۹ق: ۱۱۳). صوفیان و عارفان نیز در تفسیر باطنی، به دنبال جنبه‌های تربیتی برای تطبیق با احوال سلو کنند. (اسعدی و دیگران، ۱۳۹۰ش: ۲۵۲/۱)

در اشاره به پیشینه آثار درباره «بطن قرآن»، می‌توان به کتاب پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن، تألیف حیدر طباطبائی اشاره کرد که تتبع کلی نسبت به بطن قرآن از منظر تحلیل مفهومی و دلایل وجود و جایگاهش در تفسیر، دیدگاه فریقین نسبت به آن و راهیابی به بطن در آن ارائه می‌گردد. به رغم حسن تتبع و گاه تحلیل‌های تازه نگارنده آن، تحلیل متمرکزی بر مساله پژوهش حاضر ندارد. در مقاله «جریان‌شناسی باطن‌گرایی در تفاسیر اسلامی»، ضمن نگاهی گذرا به موضوع باطن و ارائه دیدگاه‌های عمده در خصوص رابطه ظاهر و باطن قرآن، بر هم‌سانی ظاهر و باطن قرآن در اهمیت و اعتبار، تأکید دارد (شمخی، ۱۳۹۳ش: ۱۲۳-).

۱۴۷). در مقاله «چیستی باطن قرآن کریم از منظر روایات و بررسی دیدگاه‌ها بر اساس آن»، ضمن بررسی روایات مرتبط با بطن و برجسته‌ترین دیدگاه‌های متقدمان و متأخران درباره چیستی باطن، تعریف جدیدی از بطن آورده (بابایی، ۱۳۸۵ش: ۱۰-۲۹) که در سایر آثار نگارنده‌اش انعکاس یافته است. در مقالات دیگری مانند «رابطه ظهور و بطون قرآن» تألیف محمدجواد سلمان‌پور در شماره ۴۰ نشریه مقالات و بررسی‌ها، «ظهر و بطن قرآن کریم» تألیف ابراهیم کلانتری در شماره ۲۹ فصلنامه قبسات و «روش تفسیر باطن قرآن» تألیف جعفر نکونام در شماره ۲ پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، به صورت کلی به بررسی معنا، ابعاد بطن و راه دست‌یابی به بطون پرداخته‌اند که موارد مذکور، به عنوان مقدمات پژوهش حاضر در نظر گرفته می‌شوند.

درباره آراء علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت در خصوص بطن قرآن نیز به تفکیک، آثاری وجود دارد؛ برای نمونه در مقاله «واکاوی نگرش علامه طباطبایی به روایات وارده در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر مفاهیم بطن و جری» به اثبات رسیده که به رغم این که علامه، مفاهیم معنایی را «باطن قرآن» دانسته و مفاهیم مصداقی را «جری» می‌داند، در مقام عمل دچار تردید شده و در غالب موارد، بازگشت عملی علامه در تعریف باطن قرآن، بطن مصداقی است (فتاحی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۴ش: ۱۵۶). نکته قوت این مقاله، تأکید بر تفاوت تعریف نظری و عملی علامه از بطن قرآن است اما با توجه به مساله پژوهش حاضر، صرفاً به ابعاد چیستی مساله بطن قرآن پرداخته است. براساس مقاله «تحلیل باطن قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی» نیز براساس اعتقاد علامه، معانی و معارف قرآن دارای مراتبی است که برحسب تفاوت سطح فهم مخاطبان، مختلف می‌گردد که این معانی به نسبت ظهور و خفایی که دارند، ظاهر و باطن قرآن خوانده می‌شوند که در طول هم اراده شده و نسبی‌اند (شریفانی، محب‌پور، ۱۳۹۲ش: ۱۷۹). نگارندگان این مقاله، ضمن ارائه معناشناسی باطن به همراه شاخصه‌ها و خاستگاه آن در دیدگاه علامه، به تحلیل کامل صحت و سقم آن، نپرداخته‌اند. یکی از نگارندگان مقاله حاضر نیز در مقاله «طرح و بررسی بطن از دیدگاه آیت‌الله معرفت» ابعاد مختلف دیدگاه آیت‌الله معرفت اعم از حد بطن، راه‌های دست‌یابی و ملاک صحت آن و عالمان به بطن را تبیین کرده است. (غروی، ۱۳۹۰ش: ۱۰۱-۱۱۴)

نوآوری پژوهش حاضر در «تألیف پژوهشی مستقل» با «نگرش تطبیقی و جزءنگرانه» و «نقد ادله نظریات دو مفسر معاصر» است که دیدگاه‌های نوآورانه آن‌ها، مرجع سایر محققان است. بحث «بطن» در فهم تمام مباحث روبنایی مانند تفسیر، استنباط احکام فقهی و استخراج آموزه‌های هدایتی قرآن مؤثر است و نگرش نادرست پیرامون آن، جاودانگی قرآن را به چالش می‌کشد و با ایجاد زمینه برای جمود فکری و بروز انحرافات عقیدتی، مجوز تعمیم مفاهیم قرآنی در شرایط زمانی و مکانی متفاوت با شأن نزول آیات را نامعتبر می‌نمایاند (طباطبائی (ح)، ۱۳۸۷ش: ۲۸-۳۳). بدیهی بودن نادرستی آراء معارض علما درباره بطن قرآن و هم‌چنین وجود فرقه‌هایی که با سوءاستفاده از نیاز معنوی مردم، برای تأیید عقاید باطل و خلاف عقل و دین خود، به باطن قرآن استناد می‌کنند، ضرورت تبیین دقیق ابعاد بطن قرآن را دوچندان می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی بطن

«بطن» در لغت به معنای خلاف ظاهر (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۴۴۰/۷)، درون شیء (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۵۹/۱)، و امور پوشیده از حواس ظاهری و معارف مخفی است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۹). تتبع در منابع شیعه و اهل سنت درباره معنای اصطلاحی «بطن»، گستره‌ای را به دست می‌دهد که می‌توان قدیم‌ترین معنای آن را یکسان‌انگاری معنای باطن و تأویل دانست. (نک: طوسی، بی‌تا: ۹/۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۲۵/۱)

عموم معانی بطن، ناظر به روایاتند که برخی مانند «فهم قرآن» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۳۱/۱؛ المناوی، ۱۴۱۵ق: ۷۱/۳)؛ «مصادیق عام آیات» (طوسی، بی‌تا: ۹/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۹/۲)، «اشارات و لطایف و حقایق قرآنی» (زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۱۷۰/۲)، «روح و حقیقت لفظ» (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۸/۱؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۴۶/۱) و «عبرت گرفتن از وعظ» (طوسی، بی‌تا: ۲۸۰/۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق: ۴۵۹/۲) میان شیعه و اهل سنت مشترکند. برخی مانند «علم الهی» (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۴۳/۱)، صرفاً در منابع شیعی است و برخی مانند «عمل به قرآن» (فراء بغوی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۴/۱)، «سرّ و راز» (سیوطی، ۱۴۰۱ق: ۱۶۰/۲) و «مطلق معانی الفاظ قرآن» (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق: ۵۰/۱)، صرفاً در منابع اهل سنتند.

به نظر می‌رسد برخی معانی مانند نظر آیت‌الله معرفت که باطن قرآن را مدالیل فراتر از معنای ظاهری آیات دانسته (معرفت، ۱۳۸۸ق: ۲/۲۸) و نظر علامه طباطبایی که آن را مراتب گسترده معنایی الفاظ قرآن - به گونه‌ای که با تحلیل قوی‌تر، معانی عمیق‌تر و دارای مراتبی از آیات به دست می‌آید - می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳/۶۴)، قابلیت پوشش محتوای بسیاری از نظریات پیشین را داشته باشند (طباطبایی (ح)، ۱۳۸۷ق: ۳۸-۶۸). یکی از محققان معاصر نیز با نقد تمامی تعاریف، باطن قرآن را معانی و مصادیقی دانسته است که دلالت و انطباق آیات بر آن‌ها آشکار نیست ولی مراتب دارند. برخی از مراتب آن برای غیرپیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) نیز با تأمل، فهمیدنی است و برخی مراتب آن از دلالت عرفی آیات، فراتر است و کسی جز معصومان (ع) توان فهم آن را ندارد. (بابایی، ۱۳۸۹ش: ۲/۲۰)

تبیین مفهوم بطن

۱. به نظر نگارندگان، به رغم آن که احادیث مورد استناد تمام صاحب‌نظران از ابتدا در منابع روایی وجود داشته، توجه متفاوت قائلان به روایتی خاص و برداشت از الفاظ آن‌ها، موجب تفاوت‌ها و تطور معنای بطن شده است. دقت در زیست‌بوم دانشی هر مفسر و صاحب‌نظر - که دغدغه‌های مذهبی و علمی وی را جهت می‌دهد - در تحلیل سیر تطور، بسیار مؤثر است که پژوهش مستقلی می‌طلبد.

۲. در تعریف بابایی، تأمل در چهار نکته رهگشا است: اول، تفکیک معانی با مصداق در معنای بطن، دقیق و مناسب است؛ زیرا در برخی از روایات (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۲۵۹)، بطن آیات به صورت مصداق بیان شده است. به همین دلیل، برخلاف علامه طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳/۷۳-۷۴) و آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۸ش: ۳/۲۶) که بطن قرآن را از جنس معنا می‌دانند، امام خمینی (ره) آن را از جنس مصداق و درجات حقیقت وجودی سالک الی الله می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۰ق: ۱۸۱). برای فهم رابطه معنا و مصداق نیز می‌توان از مثال آموزش ایتار به دانش‌آموزان بهره برد؛ معلم یک بار معنای ایتار و فواید آن را بیان می‌کند و بار دیگر به صورت عملی با اختصاص مال یا زمان خود به فردی نیازمند، این نکته را آموزش می‌دهد که بطن هر دو کار وی، ایجاد گرایش به ایتار در مخاطب است. دوم، تفکیک میان بطون عرفی و فراعرفی نیز دقیق است؛ زیرا برخی از بطونی که معصومان (ع)

اعلام کرده‌اند، حتی پس از طی مسیر عرفی فهم آیات نیز قابلیت درک واضح عقلانی را ندارند. سوم، آشکار نبودن دلالت بطون قرآن، به قابلیت مخاطب در هنگام مراجعه به قرآن بستگی دارد. در برخی مواقع، ناظر به نبود دقت و مهارت است که در مرحله عرفی، با آموزش و ممارست رفع می‌شود و در برخی مواقع، ناظر به سعه وجودی است که بر مبنای آموزه‌های قرآنی (بقره/۲۸۲) گاه با طهارت نفس، قابل رفع است. بدین‌رو، غیر از تأمل، با افزایش مهارت و طهارت نفس نیز می‌توان به برخی از معانی باطنی دست یافت. چهارم، باید میان این نکته که خود فرد، ابتدائاً به معنایی باطنی و فراتر از ظاهر قرآن دست یابد - که باید مطابق با دلالت‌های عرفی کلام باشد و با ضروریات قطعی دین، متعارض نباشد (بابایی، ۱۳۸۹ش: ۲۰) - و این که معانی باطنی موجود در بیان معصومان (ع) یا سایر افراد متعهد و متخصص را بفهمد، تفکیک قائل شد.

۲. چستی و ماهیت بطن

می‌توان گستره دیدگاه شیعه در خصوص ماهیت بطن را در قالب سه دیدگاه برجسته دانست:

۲-۱- بطن: حقایق وجودی

بعضی قرآن‌پژوهان، بطن را حقیقت وجودی و رای الفاظ مادی و خارج از چارچوب دلالت لفظی می‌دانند. به اعتقاد ملاصدرا، قرآن مانند انسان‌ها به دو بخش سرّی و علنی تقسیم می‌شود و هر یک از این دو بخش، ظاهر و باطنی دارد و آن باطن هم باطن دیگری دارد (صدرالمتالهین، ۱۴۱۹ق (الف): ۱۰۷/۷؛ همو، ۱۴۱۹ق (ب): ۳۹). حقیقت قرآن (بطن)، در لوح محفوظ و در علم الهی است و این حقیقت را صاحبان خرد درک می‌کنند و برای انسان ظاهرگرا، فقط معانی ظاهری قرآن قابل فهم است. وی رسیدن به این حقایق را تنها برای کسانی که از علوم لدّنی برخوردارند، ممکن می‌داند؛ زیرا معتقد است دست‌یابی به علم الهی، با علوم اکتسابی و از طریق تفکر عادی، امکان ندارد. (صدرالمتالهین، ۱۴۱۹ق (الف): ۱۰۸/۷-۱۱۰؛ همو، ۱۴۱۹ق (ب): ۴۰-۴۱)

امام خمینی نیز حقیقت قرآن را کلام نفسی می‌خواند که از شئون ذاتی و حقایق علمی در حضرت احدیت است. ایشان نیز تاکید دارد که رسیدن به این حقیقت، با علوم رسمی،

معارف قلبی و با مکاشفه غیبی امکان‌پذیر نیست، بلکه مختص پیامبر (ص) و اولیایی است که به حسب انوار معنوی و حقایق الهی، با روحانیت ذات مقدس ایشان مشترکند. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰ش: ۱۸۲)

سیدحیدر آملی پس از بیان هفت احتمال درباره معنای بطون، بدین معنا تأکید می‌ورزد که قرآن بر اساس تطابق با عالم و انسان، به حسب اجمال دارای هفت معناست ولی به حسب تفصیل، دارای معانی غیرمتناهی است (آملی، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۳۱۱). بر این اساس، بطن قرآن از دایره الفاظ فراتر است و می‌توان مشابه این نگرش را در آثار برخی از علمای اهل سنت مانند غزالی (غزالی، بی‌تا: ۴۱۱/۱)، ابن عربی (ابن عربی، ۱۳۹۲ق: ۴/ ۴۱۱) و آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۸/۱) نیز مشاهده نمود که به دلیل رعایت اختصار، از تفصیل آن پرهیز می‌گردد. به نظر می‌رسد مشرب عرفانی یا نگرش فلسفی ایشان به بطن، منتج به اعتقادشان به سلوک معنوی و شهود حقایق و رای الفاظ قرآن باشد.

۲-۲- بطن: معنای عمیق‌تر و در پس ظواهر

بطن قرآن، گسترش یافته و حقیقت معنای لفظ (مفید، ۱۴۱۴ق: ۲۹) و معنای عمیق الفاظ قرآن بوده که دارای مراتبی است که براساس مراتب درک و عقل مخاطبان ایجاد می‌شود (بروجردی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۰/۱). هریک از مفسران به تناسب سطح درک خود، برداشتی از آیه داشته‌اند که از ظاهر آیه الهام گرفته و به آن مربوط است (سبحانی، بی‌تا: ۲۰۶-۲۰۷). ممکن است مراد از بطون در روایات، لوازم مدلول مطابقی لفظ باشد که برخی از آن‌ها بر برخی دیگر، مخفی‌تر است به طوری که ما با عقل خویش، نمی‌توانیم به برخی از آن دست یابیم و فقط مخاطبان اصیل قرآن (معصومان(ع)) از آن‌ها آگاهند. (عراقی، ۱۴۰۵ق: ۱۸/۱)

علامه طباطبایی نیز «بطن» را معنای عمیق‌تر می‌داند که در ذیل الفاظ ظاهری آیات نهفته است و معنای مکشوف از پس ظواهر، لزوماً یکی نیست و گستره آن، نزدیک‌ترین معانی به ظاهر الفاظ تا دورترین معانی را دربرمی‌گیرد. ظاهر و باطن آیات، دارای مراتبی است که در هر مرتبه، هر ظاهری نسبت به ظاهر خودش، باطن و هر باطنی نسبت به باطن خویش، ظاهر است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳/ ۷۴-۷۳). معنای باطنی، مدلول مطابقی لفظ است به گونه‌ای که لفظ بر هریک از این معانی مترتب بر یک‌دیگر، بر حسب فهم هر شخص،

بالمطابقه دلالت دارد (همان: ۶۴/۳). نتیجه سخن علامه آن است که وی باطن را نیز چون ظاهر از مقوله معنا می‌داند که هر کس با فهم خویش از آن سهم ادراکی دارد؛ برای نمونه، ذیل آیه *وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا...* (نساء/۳۶)، بحثی را با استناد به آیات *أَلَمْ آتِكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ* (یس/۶۰)، *أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...* (جاثیه/۲۳) و *وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ... أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ* (اعراف/۱۷۹) انجام داده و مفاهیم بطن آیه را به ترتیب سلسله طولی بیان می‌دارد:

۱. ممنوع بودن عبادت بت‌ها؛ ۲. ممنوع بودن عبادت و پیروی از هر کس جز خداوند متعال؛
۳. ممنوع بودن پیروی از هوای نفس؛ ۴. ممنوعیت غفلت از خداوند و التفات به غیر خداوند.

(طباطبائی، ۱۳۸۸ش: ۲۷-۲۸)

۳-۲- بطن: معانی مستخرج از لفظ و قابل تعمیم بر مصادیق دیگر

معنای ظاهر و باطن قرآن، دو معنای مجزا نیستند، بلکه معنای واحدی برای الفاظ قرآن وجود دارد که در طول زمان در حرکت است و شامل همه موارد مشتمل بر خصوصیات آیه می‌گردد و این همان باطن قرآن است (فضل‌الله، بی‌تا: ۲۱). معنایی که از باطن آیات به ویژه در خصوص امم گذشته در قرآن وجود دارد، شامل نسل‌های بعدی نیز می‌شود (سبحانی، بی‌تا: ۲۰۶-۲۰۷). از منظر آیت‌الله معرفت، بطن برخلاف ظاهر قرآن، از معنای گسترده و قابل دوام و همیشگی برخوردار است که باید با یک قاعده کلی و همگانی، استخراج شود و شمول آن بر همگان به گستردگی زمان و به پهنای جهان باشد (معرفت، ۱۳۸۸ش: ۲۶/۳؛ همو، ۱۳۸۱ش: ۱۰۰). ایشان بطن را از مدلولات التزامی کلام می‌خواند که ملازمه بین آن و کلام، ملازمه غیر آشکار است و آیه، دلالت آشکاری به حسب ظاهر دارد که با مناسبتی که به سبب آن نازل شده، متناسب است و دارای دلالتی مخفی است که در بطن آیه، نهفته و رسالت جاودانی آیه را دربردارد. تأویل از این منظر، رسیدن به این مهم را ممکن می‌سازد؛ زیرا کوششی برای فهم این معنای وسیع مخفی است که آیه در رسالت جاودانی خود، آن را مدنظر دارد، با این شرط که بین این کلام و معنای ظاهری باید رابطه نزدیکی وجود داشته باشد به طوری که معنای ظاهری خاص و معنای باطنی مستفاد از فحوای آیه، عام باشد. (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۴۶ تا ۴۷؛ همو، ۱۴۲۹ق: ۱/ ۳۱-۳۲)

نقد و بررسی

۱. علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت برخلاف قائلان دیدگاه «حقایق وجودی»، بطن را از سنخ لفظ و معنا می‌دانند. تعریف علامه از تأویل (در دیدگاه علامه طباطبایی میان تأویل قرآن و تأویل متشابهات، تفکیک وجود دارد - اسعدی، ۱۳۸۵: ۴۲)، مطابق تعریف قائلان دیدگاه اول از بطن بوده و معتقد است تأویل از قبیل معانی نبوده (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۱)، بلکه از امور عینی متعالی است که برای فهم بشر در قالب الفاظ مادی نازل شده است (همان: ۴۹/۳). جالب آن جاست که علامه در تفسیر، میان بطن معنایی و بطن مصداقی خلط یا تردید کرده است؛ برای نمونه، ذیل آیه *أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ* (نحل/۱)، به روایاتی که مراد از «امرالله» را ظهور حضرت مهدی (عج) می‌داند، اشاره کرده، می‌گوید: «این روایات جزء گونه جری (بطن مصداقی) یا در مقام بیان معنای باطنی آیه است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۲/۲۳۳). آیت‌الله معرفت نیز بطن را یکی از دو معنای تأویل به شمار می‌آورد (معرفت، ۱۳۸۸: ۳۰/۳) و چون براساس روایات، بطن را موجب جاودانگی و خارج کردن قرآن از سطحی و کتاب تاریخی بودن، می‌داند (معرفت، ۱۴۲۹: ۱/۳۲)، در نمونه‌هایی، مصادیق را جزء بطن برشمرده است (همان: ۵۰/۱). براساس تعریف برگزیده بطن در پژوهش بر مبنای روایات - مانند امام باقر (ع): «ظَهَرَتْ تَنْزِيلُهُ وَبَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ» (صفار، ۱۴۰۴: ۱/۱۹۶) -، بطن شامل معانی و مصادیق است و اختصاص صرف آن به معانی، فاقد مبنای دقیق و نگاهی جامع به روایات است. اختلاف علما در این باره، تنها در تعریف بوده و در مقام عمل، بطن (با عناوین دیگر) را شامل مصادیق نیز در نظر گرفته‌اند.

۲. آیت‌الله معرفت معنای بطن را مدلول التزامی (معرفت، ۱۴۲۹: ۱/۳۳) اما علامه، آن را مدلول مطابقی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳/۶۴). از نظر اصطلاح منطق، در مدلول مطابقی، لفظ برای نشان دادن تمام مدلول خود به کار می‌رود اما در مدلول التزامی، یک مفهومی از لفظ برداشت می‌شود که با مفهوم اولیه از آن، تلازم شدیدی دارد (حلی، ۱۳۷۷: ۱۰). با مراجعه به برخی از نمونه‌هایی که علامه به بررسی بطن پرداخته، با دلالت التزامی بطون مواجه می‌شویم؛ برای نمونه، ذیل آیات *مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ* ... *يَخْرُجُ مِنْهُمَا الْؤَلُوْءُ وَالْمَرْجَانُ* (رحمن/۱۹، ۲۲) براساس روایات، مراد از «بحرین» را علی (ع) و فاطمه (س)

و «لؤلؤ و مرجان» را حسنین (ع) دانسته و آن را بطن آیه می‌داند (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۱۰۳/۱۹). بدیهی است نمی‌توان مدلول مطابقی منطقی را برای این ارتباط ظاهر و باطن، قائل شد. در تبیین این امر، علاوه بر تفاوت تعریف اصولی علامه با نگاهی منطقیون، باید توجه داشت براساس قواعد زیان‌شناختی و حتی اصولی، محال است که مدلول مطابقی، لازم خود را دربر نداشته باشد (آمدی، ۱۴۰۴ق: ۳۷)، پس دلالت التزامی تابع دلالت مطابقی خواهد بود (ابن تیمیه، بی‌تا: ۷۶/۱). به نظر می‌رسد آن جا که بطن، ناظر به معانی است، تجلی دلالت التزامی و آن جا که بطن ناظر به مصداق است، تجلی دلالت مطابقی، برجسته است. البته می‌توان این دلالت را برای راسخان در علم، تنها در جنبه مطابقی دانست.

۳. علامه بطن را دارای مراتب طولی به تناسب شدت و ضعف فهم مخاطب می‌داند که یک معنای باطن، برای معنای بالاتر، بطن اما برای معانی پایین‌تر، ظاهر است؛ اما از سخنان آیت‌الله معرفت بر می‌آید که باطن را حقیقتی می‌بیند که از معنای گسترده و قابل دوام و همیشگی برخوردار است و همه ادوار و انسان‌ها را دربر می‌گیرد. باید توجه داشت:

الف) یکی از مبانی علامه، دیدگاه اصولی مبنی بر عدم جواز استعمال لفظ در بیش از یک معناست (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۴۴/۳) و مدلول التزامی را نوعی معماگونه شدن سخن می‌داند که با شأن قرآن تناسب ندارد (همان: ۲۲۷/۱) و قائل به مراتب طولی معنای بطن است. نقدهایی به این مبنا وارد است که مهم‌ترین آن، دقت نداشتن در ویژگی‌های گوینده و مخاطبان قرآن است. اگر متکلم، خداوند است که هیچ محدودیتی از نظر علم و اراده ندارد، محدودی در اراده چند مطلب از یک آیه و چند معنا از یک لفظ ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۱۲۹/۱). خداوندی که محدودیت‌های بشر در هنگام کلام را ندارد و بر همه موجودات، حوادث گذشته و آینده و... احاطه دارد، می‌تواند ضمن حفظ تمام قواعد زبان عربی، به گونه‌ای کلام خود را در قرآن بیان کند که مخاطب، سخن خدا را بفهمد (یوسف/۲) اما این مانع از آن نیست که الفاظ را به گونه‌ای به کار بندد که بیش‌ترین بار معنایی را داشته باشد (طیب حسینی، ۱۳۸۹ش: ۷۹-۸۱). مخاطب قرآن در درجه اول، پیامبر (ص) است (نحل/۴۴) که به همه معنای ظاهری و باطنی قرآن آگاه است (جوادی آملی، ۱۳۸۳ش: ۱۳۰/۱) و باید طبق ظرفیت افراد، آن‌ها را آموزش دهد و در درجه بعدی

(انعام/۱۹) تمام انسان‌ها از مجاوران پیامبر (ص) تا روز قیامت هستند که باید بر مبنای روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱۹۱/۱) از آموزه‌های قرآن در نسل‌های مختلف استفاده نمایند که این امر نیز محذوریت استعمال لفظ در بیش از یک معنا را به دلیل جاودانگی، ملغی می‌کند. پذیرش اشتراک لفظی در قرآن نیز امری غالب میان قرآن‌پژوهان است که عدم امکان بحث مذکور را نفی می‌نماید. (سیوطی، بی تا: ۳۷۰/۱)

ب) روایتی از امام صادق (ع): «يَا جَابِرُ إِنَّ الْقُرْآنَ بَطْنًا وَلِلْبَطْنِ ظَهْرٌ أَتَمَّ قَالَ يَا جَابِرُ وَلَيْسَ شَيْءٌ أَبْعَدَ مِنْ عُقُولِ الرِّجَالِ مِنْهُ، إِنَّ الْآيَةَ لَتَنْزِلُ أَوَّلَهَا فِي شَيْءٍ وَأَوَّلُهَا فِي شَيْءٍ وَآخِرُهَا فِي شَيْءٍ وَهُوَ كَلَامٌ مُتَّصِلٌ يَنْصَرِّفُ عَلَى وَجْهِهِ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۱/۱) نیز مبنای دیگر علامه است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۷۴/۳-۷۵). فارغ از نقص سندی-مرسل بودن روایت در تفسیر عیاشی و وجود راوی ضعیفی مانند شُرَیْسِ الْأَبْشِي (خویی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۲/۳؛ ۱۸/۹) در سند آن در کتاب محاسن (برقی، ۱۳۷۰ق: ۳۰۰)- به دلیل داشتن روایات معارض (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۹۵/۹۲) نمی‌توان به آن استناد کرد. براساس آن و روایات نظیر، ظاهر در کنار بطن قرار گرفته و نه در طول آن (بابایی، ۱۳۹۰ق: ۱۷۷-۱۷۸). جالب آن که در مدلول آیه ۳۶ نساء که علامه مطرح کرده، مرتبه‌ای وجود ندارد و خود علامه نیز در تفسیرش، مدلول ظاهر آن را به دلیل جمله‌های بعد، توحید عملی (اتیان اعمال نیکو برای خوشنودی خدا و ثواب آخرت نه برای پیروی از دلخواه و شرک به خدا) دانسته و مرتبه‌ای برای آن قائل نشده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۵۳/۴-۳۵۴)

ج) مبنای دیگر علامه، نگاه عرفانی در سلوک مرتبه به مرتبه به سوی فناء فی الله است (طباطبایی (م)، ۱۳۸۷ش: ۸۸)؛ چون طبق آیات قرآن (مانند بروج/۲۱-۲۲) حقیقت قرآن در ام‌الکتاب قابل تفصیل نبوده و در مقام تنزیل، در قالب الفاظ درآمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۶/۲)، پس به نظر ایشان، نباید بطون را در عرض و متباین با ظاهر قرآن در نظر گرفت و باید ذومراتب و در طول یک‌دیگر باشند. در مقام بررسی، درجه‌بندی بودن معارف، کاملاً پذیرفتنی است اما التزام طولی بودن و توالی ظاهر و باطن نسبت به سطح بالاتر و پایین‌تر، به دلیل فقدان مستند روایی معتبر، پذیرفتنی نیست. به نظر می‌رسد می‌توان بطن قرآن را مفاهیمی در کنار ظاهر آن با قرب و بُعد معنوی مفاهیم آن در نظر گرفت که ضمن آن که نمی‌تواند متباین و متعارض با ظاهر باشد، افراد به فراخور رشد معنوی خود به سمت خدا- به مانند بالارفتن از نردبان-، افق دید بیش‌تری پیدا کرده، به ابعاد بعیدتر معنوی آن، دست می‌یابند.

۳. گستره آیات دارای معانی بطنی

از دیگر مسائل درباره بطون آیات، گستره آیات دارای بطون است. علامه به صراحت از این گستره، سخن نگفته اما از یک سو، تبیین ایشان از بطون آیات و نیز مصادیقی که در ضمن آیات، مورد استناد قرار داده و از سوی دیگر، تأکید بر این نکته که «بطن» معنای عمیقی است که در ذیل الفاظ ظاهری آیات نهفته است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۷۳/۳)، دلیلی بر این ادعاست که همه آیات را دارای معانی باطنی می‌داند.

درخصوص دیدگاه آیت‌الله معرفت درباره گستره بطون آیات، دو نظر متفاوت به دست می‌آید: اول، با توجه به سه روایات درباره ظهر و بطن: «انّ للقرآن ظهراً و بطناً» و «انّ له ظاهراً و باطناً» و «ما فی القرآن آیه الا و لها ظهر و بطن»، معتقد است قرآن یک دلالت ظاهری دارد که قاری دانا به لغت و اسلوب کلام عربی، آن را درمی‌یابد و یک دلالت مخفی در ورای الفاظ دارد که تنها کسانی که تعمق در آیات الهی دارند آن را درک می‌کنند. دلالت مخفی، همه آیات را در بر نمی‌گیرد و مواردی چون آیات الاحکام، از این شمول خارج است (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۳۵). دوم، در بحث تأویل، ایشان یکی از کاربردهای تأویل را منحصر در آیات مشابه می‌خواند و معنای دیگر تأویل را بطن می‌داند و با استناد به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «ما فی القرآن آیهٌ إلّا و لها ظهرٌ و بطنٌ»، دایره شمول آن را همه آیات تعیین می‌کند. (معرفت، ۱۳۸۸ش: ۲۶/۳)

نقد و بررسی

۱. مبنای دیدگاه علامه، روایات (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۱/۱) است که محتوای صحیح آن‌ها بر وجود ظاهر و باطن برای تمام آیات حکایت دارد.
۲. به نظر می‌رسد آیت‌الله معرفت دچار تطور برداشت شده است؛ زیرا ایشان در کتاب *التأویل*، بیان داشتند از آن جا که آیات الاحکام باید ظاهرالدلاله باشند و از نظر شمول بر همه افراد و مصادیق و در همه زمان‌ها، عام بوده و نیازی به الغای خصوصیات زمانی و مکانی ندارد، دارای باطن نیستند (نک: معرفت، ۱۴۲۷ق: ۳۵-۳۶)، اما در اثر بعدی خود *(التمهید)*، به روایتی استناد کرده: «ما فی القرآن آیهٌ إلّا و لها ظهرٌ و بطنٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱۱/۱) که با توجه به فحوای آن، نکره در سیاق نفی، بیان‌گر تعمیم است و می‌توان همه آیات را دارای

معانی عمیق‌تر از ظاهر دانست. هم‌چنین از برخی نوشته‌های ایشان استفاده می‌شود که برای حداقل برخی آیات الاحکام، قائل به بطن هستند (معرفت، ۱۴۱۸ق: ۳۳/۱). هم‌چنین فارغ از آن که باید منظور از آیات الاحکام بازخوانی شود و دایره آن تا شمول مباحث اعتقادی و اخلاقی که می‌توان از آن حکم فقهی استنباط کرد (نیمی از قرآن)، گسترده گردد (صادقی فدکی، ۱۳۹۰ش: ۶۱) که علامه معرفت نیز در درس گفتارهای خود بدان اعتقاد دارد؛ براساس روایات، آیات دارای حکم شرعی نیز دارای ظاهر و باطن هستند (صفار، ۱۴۰۴ق: ۵۳۱) و استبعاد عقلی ندارد که معارف و احکام جزئی قرآن، از معارف و احکام کلی که از قوانین الهی در هستی نشأت می‌گیرند، استنباط شوند.

۴. عالمان به بطن آیات و روش کشف

اعتقاد عالمان به بطن را در دو دسته کلی می‌توان بیان کرد:

۴-۱- انحصار علم باطن قرآن به معصوم

برخی از مفسران (قمی، ۱۳۶۷ش: ۴/۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲/۱) و صاحب‌نظران (ابن سعد، ۱۴۰۵ق: ۹۵/۶؛ استرآبادی، بی‌تا: ۱۲۸) از شیعه و اهل سنت، هرگونه تفسیر قرآن اعم از ظاهری و باطنی را تنها با روایات پیامبر (ص) و صحابه و تابعان (اهل سنت) و اهل بیت (ع) (شیعه) جایز می‌دانند که پیروان مکتب روایی محضند (بابایی، ۱۳۹۲ش: ۲۹۵-۲۷۰). بخشی از ادله روایی ایشان، ناظر به عدم امکان راهیابی غیرمعصومان به باطن قرآن است؛ از جمله روایات ذیل آیه «مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران/۷) در کتب روایی (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۲/۱۸) و تفسیری (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ۳۴/۳) که براساس آن، پیامبر (ص) و امامان (ع) عالمان به تأویل قرآنند؛ روایاتی که مصداق آیه «بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ» (عنکبوت/۴۹) را امامان معصوم (ع) می‌دانند (حرعاملی، ۱۴۱۲ق: ۱۳۳/۱۸)؛ روایات ذیل آیه «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (رعد/۴۳) که مراد از «من عنده علم الكتاب» را امامان (ع) می‌دانند (بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۲۷۳/۳). براساس این دیدگاه، باید تنها به روایاتی از پیامبر (ص) (غزالی، بی‌تا: ۴۱۱/۱) و امامان (ع) اکتفا کرد که در آن به باطن آیات اشاره شده و هرگونه برداشت باطنی از آیات، غیرجایز است.

۲-۴- عدم اختصاص علم باطن قرآن به معصومان (ع)

غالب عالمان شیعه، ضمن تأیید انحصار علم معصومان به ماهیت و حقیقت باطن قرآن، دایره گستره فهم باطن و کشف آن را با شرایط خاصی به سایر افراد نیز تعمیم می‌دهند. این دسته به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی شرط کشف و فهم باطن قرآن را سلوک معنوی و طهارت نفس می‌دانند؛ زیرا معتقدند که بطون قرآن توسط خداوند بر دل‌های کسانی از بندگان خود که بخواهد، افاضه می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۷/۱) که نمی‌توان آن را از طریق علوم اکتسابی، تعلم و تفکر به دست آورد (صدرالمতالیهین، ۱۴۱۹ق (ب): ۴۱) و هر کس به هر اندازه منزّه تر و مقدس تر باشد، نصیبش از حقایق قرآن نیز افزون تر خواهد بود. (موسوی خمینی، ۱۳۷۰ش: ۲۰۲)

گروه دیگر، کشف باطن را ناظر به طی فرآیند می‌دانند که قابل تقسیم به چند فرآیند است: علامه طباطبائی بر مبنای آیات قرآن، این فرآیند را «تدبر» می‌نامند که براساس آن، با تحلیل دقیق (طباطبائی، ۱۳۸۸ش: ۲۸) و تیزبینی (همو، ۱۳۹۰ق: ۴۸/۳) چندباره در یک آیه یا در آیه‌ای پس از آیات دیگر (همان: ۱۹/۵)، می‌توان به بطن رسید. ایشان از یک سو، با بیان تفاوت فهم افراد در درک و تفکر معنویات (طباطبائی، ۱۳۸۸ش: ۴۷) و این که هر باطنی نسبت به باطن تر از خود ظاهر و هر ظاهری نسبت به ظاهر تر از خود باطن است (همو، ۱۳۹۰ق: ۷۳/۳)، معتقدند که توانایی برخورداری از علوم معنوی، مراتب فهم ظاهر و باطن آیات را رقم می‌زنند. از سوی دیگر، تقوا و طهارت نفس را از جمله علل اصلی دست یابی به بطون نمی‌دانند؛ زیرا معتقد است که باطن قرآن از جنس مدلول لفظ است که در فهم آن‌ها، تفاوت ذهن‌ها از نظر طهارت نفس نیست، بلکه به لحاظ خوش فهمی و تیزبینی است. (همان: ۴۸/۳)

آیت‌الله معرفت دست‌یابی به بطون را برای همگان ممکن نمی‌داند، بلکه معتقد است تنها برای عالمانی که تعمق در آیات الهی دارند و آن را درک می‌کنند، امکان پذیر است (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۳۵). مفسران با رعایت ضوابطی، قادر به ارائه معانی بطنی آیات هستند و معصومان (ع) با بیان معانی بطنی از آیات در ضمن روایات، نحوه برداشت بطنی را به مفسران آموخته‌اند (معرفت، ۱۴۱۸ق: ۴۶۸-۴۶۹). از جمله استنادات ایشان، تفسیر «ماء معین» به علم نافع در آیه *قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ* (ملک/۳۰) است. معنای ظاهری آن است که نعمت وجود، وسایل زندگی و تداوم حیات، همه در گرو اراده الهی و بر اساس تدبیر جهان

است؛ ولی امام رضا(ع) در تفسیر آیه فرموده که مراد از «ماء معین» علم ائمه است (قمی، ۱۳۶۷ش: ۳۷۹/۲). با دقت در بیان امام در می‌یابیم که آوردن استعاره «ماء معین» برای علم نافع، آن هم در زبان پیامبر(ص) یا وصی او به ویژه وقتی که پشتوانه آن وحی الهی باشد، بسیار مناسب است؛ زیرا همان طور که آب، منبع حیات مادی و منشا اصلی امکان ادامه حیات بر روی کره خاکی است، علم نافع - به ویژه علم دینی - تنها پایه اساسی زندگی معنوی است. بنابراین در این آیه نیز آب که مایه اصلی حیات است - با قطع نظر از قرائن خاص - به مفهوم عام آن در نظر گرفته شده که شامل علم نیز خواهد بود که ضامن حیات مادی و معنوی بشر است. این معنا در آیات دیگر قرآن نیز آمده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/۲۴). پس در آیه فوق علم نافع علوم ارائه شده از طرف پیامبر(ص) و امامان(ع)، مایه حیات معنوی شمرده شده است (معرفت، ۱۴۱۸ق: ۲۹/۱).

آیت الله معرفت در توضیح ضوابط شاطبی درباره صحت تفسیر بطنی تأکید دارد که بطن، باید هم مطابق با مقتضای ظاهر و هماهنگ با قواعد ادبیات عرب و متضمن دلالت التزامی بوده و هم شاهی از خود قرآن داشته باشد (نک: معرفت، ۱۴۲۷ق: ۴۰-۴۲؛ همو، ۱۴۲۹ق: ۱/۳۶-۳۴). ایشان ضوابطی را برای اطمینان از صحت بطن مکشوف و مصونیت مفسر از خطر تفسیر به رأی، بیان می‌نماید:

اول؛ از روش «سبر و تقسیم» برای تشخیص خصوصیات اصلی از غیر اصلی در کلام به جهت رسیدن به هدف کلام و علت ثبوت حکم آیه استفاده گردد (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۳۹)؛ با این شیوه، ارتباط نزدیک و مناسبت بین معنای ظاهری و معنای باطنی حفظ می‌شود (معرفت، ۱۴۲۹ق: ۱/۳۴؛ همو، ۱۴۱۸ق: ۲۴/۱-۲۵) و این همان مفهوم عام انتزاعی از فحوای کلام است.

دوم؛ تأمل در تشخیص خصوصیات کلام به میزانی که ویژگی‌هایی که به منزله اصل هستند، از خصوصیات سطحی، درست تشخیص داده شوند (معرفت، ۱۴۲۷ق: ۴۰).

سوم؛ مفهوم عام مستخرج از فحوای آیه به منزله کبرای کلی باشد که ظاهر لفظ بر آن دلالت دارد؛ یعنی مجموع ظاهر و بطن، استدلال منطقی را تشکیل داده، مفهوم عام، به مثابه کبرای کلی بر مورد نزول که هم چون صغرای این قضیه منطقی است، انطباق داشته باشد.

(همان: ۴۰؛ همو، ۱۴۲۹ق: ۳۴/۱) مثلاً ایشان آیه *وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ* (نحل/۴۳) را به جهت جهالت مشرکان نسبت به اصل نبوت در شأن آنان می‌داند. بنابر نظر ایشان، چهار خصوصیت در آیه وجود دارد: ۱. نازل شدن در شأن مشرکان؛ ۲. فرمان به مشرکان برای سؤال از اهل کتاب؛ ۳. سؤال برای فهم امکان پیامبری یک بشر؛ ۴. دلیل سؤال، جهالت نسبت به اصل نبوت. سپس می‌فرماید: مشرکان، دخالتی در هدف این آیه ندارند. امر به سؤال به خاطر موضع جهلشان بوده، نه به دلیل مشرک بودن آن‌ها؛ نیز خصوصیت امکان پیامبری یک بشر، دخالتی در اصل آیه ندارد بلکه هر امری که نسبت به آن جهالت وجود دارد را دربر می‌گیرد. رجوع به اهل کتاب-یهودیان- نیز به این دلیل بوده که آنان عالم به نبوت سابق بودند که عرب جاهلی نسبت به آن، جاهل بود. بنابراین وقتی این چهار خصوصیت را که دخالتی در مراد اصلی آیه ندارد از آن جدا و لبّ کلام را أخذ نمودیم، نتیجه آن می‌شود که بر هر جاهلی واجب است که در هر مسأله‌ای از مسائل، به عالمان آن مسأله مراجعه کند و این فحوای عام آیه و رسالت آن است. (معرفت، ۱۴۲۹ق: ۳۳/۱)

نقد و بررسی

۱. به نظر می‌رسد دقت در سه نکته رهگشاست: اول، به رغم روایاتی که بر انحصار فهم باطن توسط معصومان (ع) دلالت دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۲/۸؛ قمی، ۱۳۶۷ش: ۳۶۷/۱)، احادیث دیگری که بطن را به فهم و عبرت گرفتن تعریف کرده (صافی، ۱۴۱۵ق: ۳۱/۱) به انضمام آیاتی که قرآن را قابل فهم برای همگان دانسته (قمر/۱۷) و نسبت به عدم فهم آن، توبیخ می‌کند (محمد/۲۴)، بیان‌گر عدم انحصار فهم برخی از بطن قرآن برای غیرمعصومان است. دوم، دقت در کارکردهای وجود بطن در قرآن نیز بر ملازمه عقلی کشف آن توسط غیرمعصومان دلالت دارد؛ زیرا قرآن به رغم آن که محدودیت‌های یک متن را دارد، رسالت خود را در راهنمایی مردم از تاریکی جهالت به روشنایی حقیقت تا روز قیامت می‌داند: *كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ* (ابراهیم/۱). بدیهی است تمام مقاصد تطبیق‌پذیر قرآن بر زمان‌های مختلف، در سطح دلالت ظاهری وجود ندارد و بر اثر رشد فکری جامعه، این دلالت‌های پنهان به تدریج شناخته

می‌شوند (سعیدی روشن، ۱۳۹۰: ۱۲۷). سوم، با تفاوت تعریف هر فرد از بطن قرآن، گستره دست‌یابی به آن تغییر می‌کند. با توجه به تعریف علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت از بطن که آن را معنایی مرتبط با لفظ اما عمیق‌تر و قابل تعمیم دانسته‌اند، می‌توان انحصار کشف و فهم آن را از معصومان (ع) به غیر آن، گسترش داد. البته تأکید علامه بر طولی بودن لایه‌های استنباطی قرآن، تصریح بیش‌تری در این زمینه دارد.

۲. به رغم وجود آیات (ص/۲۹؛ انعام/۵۹؛ اعراف/۳۳) و روایات متعدد (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۶/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۵۴۹/۴؛ صدوق، ۱۴۰۳: ۲۵۹) که به عنوان دلایل اثبات باطن برای قرآن مورد استنادند، نمی‌توان تصریحی از مبانی نقلی برای افزایش گستره کاشفان بطن قرآن، پیدا نمود. به همین دلیل، مبنای دو دانشمند، عقلی است؛ علامه معتقد است با توجه به تفاوت سطح فهم مخاطبان، ضرورت عقل‌ایجاب می‌کند که ظاهر قرآن دارای معانی عمیق‌تری باشد و براین اساس، نیازی به بررسی سندی روایات مرتبط به باطن نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۴/۳). آیت‌الله معرفت نیز معتقد است اگر بنا بود بطن قرآن را عده مخصوصی بدانند، پیامبر (ص) آن را مکرر در ملاعام و برای همه مسلمان‌ها مطرح نمی‌کردند. اگر پیامبر (ص) به عموم مسلمانان خطاب می‌کند که قرآن ظهري دارد و بطني، یعنی این که دنبال آن بروید و می‌توانید به دست آورید. (علوی مهر و دیگران، ۱۳۸۴: ۶)

۳. بر روش علامه در فهم بطن، تأملاتی وارد است: اول، به نظرمی‌رسد تعریف ایشان از تدبر، دقیق نیست و درواقع تدبر، نتیجه تأمل و تفکر است نه خود آن. تدبر در قرآن، توجه (تفکر، تعقل، کسب معرفت، تذکر و تنبه و گرایش عملی) به عاقبت (غرض، جهت هدایتی، عکس‌العمل حاصله از، آثار و نتایج مثبت برآمده از و تبعات و نتایج منفی برآمده از) کلمات، آیات و سوره‌های آن است (اخوت، بی‌تا: ۶۱/۱). چون تدبر در قرآن از همه خواسته شده، پس افراد بدون علم مقدماتی نیز می‌توانند به مراتبی از تدبر برسند (محمدعلی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۶۰) که بدیهی است آن مراتب، شامل بطن نمی‌شود. دوم، از نظر علامه طباطبایی، نقش طهارت نفس برخلاف فهم تأویل، در فهم تفسیر بطنی، کمک‌کننده است اما شرط اصلی نیست؛ یعنی فهم بطن معنایی، به مراتب علمی و ذوق ادبی وابسته است اما فهم تأویل یا بطن مصداقی، به مراتب تقوا و طهارت نفس؛ درحالی که هم خود علامه معتقد به رابطه افزایش

معرفت با افزایش فهم لایه‌های عمیق‌تر بطن است و هم برخی از آیات قرآن مانند «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ» (بقره/۲۸۲)، تقوا را عامل افزایش علم و معرفت می‌دانند؛ پس نقش تقوا و طهارت در فهم معانی «بعیدتر» بطن معنایی، تعیین‌کننده است. قلب در تدبر، نقش مبنایی دارد (محمد/۲۴). سوم، چگونگی سنجش صحت بطون به دست آمده از روش علامه، واضح نیست. چهارم، به نظر علامه، به همان میزان که سیاق در دست‌یابی مفسر به فهم ظاهری آیات دخالت دارند، در فهم درجات بطون نیز نقش آفرین هستند. اما برخلاف آن، آیت‌الله معرفت معتقد است الغای تمام خصوصیات آیه از جمله سیاق، عامل مهم برای کشف بطن قرآن است.

۴. روش آیت‌الله معرفت برای دست‌یابی به بطون، چند نکته دارد: اول، این روش بیش از آن که مرهون درجه علمی مفسر باشد، مرهون فرآیند است و این امکان را برای ورود هر کسی مهیا می‌سازد. هر چند در تاکید ایشان بر کشف هدف آیه به شیوه سبر و تقسیم منطقی، از نظام‌مند بودن این اندیشه در ایشان حکایت دارد، اما اطمینان‌بخش نیست و ضمانتی برای حفظ مفسر از خطر تفسیر به رأی وجود ندارد. دوم، ضابطه اول و دوم در فرمایش ایشان، تبیین یک اصل است که در ضابطه دوم، مفسر، به تأمل در شیوه سبر و تقسیم گفته‌شده در ضابطه اول، برای جداسازی خصوصیات اصلی از فرعی، خوانده شده است. ضابطه سوم در کلام ایشان در حقیقت راستی‌آزمایی عملکرد مفسر در دو مقدمه پیش گفته است که تا چه حد مفسر، توانسته هدف کلی مورد نظر خداوند در نزول آن آیه را تشخیص دهد. سوم، چگونه می‌توان اطمینان پیدا کرد بعضی جزئیات مطروحه در ضمن آیه در شمول هدف اصلی بر مورد نزول مدخلیتی ندارد؟ بنابراین در تبیین ایشان از فرآیند دست‌یابی به بطون، به نقش سیاق آیات و جملات قبل و بعد آیه توجه قرار نشده و این سوال باقی است که طی عملیات دست‌یابی به بطون در این دیدگاه، سیاق چه جایگاه و نقشی دارد؟

۵. فرآیند «کشف» بطن قرآن - میان کشف و فهم بطن، تفاوت وجود دارد - سه عنصر

مبنایی دارد:

قلب: مکان نزول هدایت الهی برای فهم ابعاد مختلف قرآن است (محمد/۲۰) که شرط ورود به حوزه قرآن و تدبر و تبعیت از آن، این است که قلب با تقوا پاک شود و تسلیم و

آماده دریافت فیوضات باشد (خوش منش، ۱۳۸۷ش: ۶۶). پس هر چه تقوا و طهارت نفس بیش تر باشد، کمیت و کیفیت فهم بطن قرآن، افزایش می‌یابد.

عقل: حجت باطنی که چگونگی دست‌یابی به بطن قرآن را نشان می‌دهد. تنقیح مناط (کسب اطمینان به علت حکم در احکام جزئی)، اگر بر مبنای تنصیص شارع نباشد، باید از طریق قواعد عقلی (سبر و تقسیم منطقی) صورت پذیرد؛ یعنی تمام احتمالات مختلف پیرامون بطن را احصا کردن و بر مبنای عقل، نقل و قواعد محاوره، معانی صحیح را برگزیدن. ذوق و مهارت ادبی: از آن جا که نمی‌توان بی‌قاعده به تخصیص بطون برای قرآن پرداخت، باید میان ظاهر الفاظ و باطن قرآن، دلالتی وجود داشته باشد و راستی آزمایی صحت بطن، نیازمند داشتن ذوق ادبی و آموختن قواعد ادبیات عرب و انواع دلالت‌هاست.

هر سه مبنای بالا، با مؤانست با قرآن و انصاف حقیقی (کنترل هیجان‌ات مادی و معنوی هنگام مراجعه به قرآن) تقویت می‌گردند که در اثر آن، یا از ظاهر یک آیه با حکم جزئی، حکم کلی به عنوان بطن استخراج می‌شود تا بر موارد مشابه حمل گردد یا از ظاهر یک آیه کلی، مصداقی جدیدی به عنوان بطن به دست می‌آید.

نتیجه

برآیند مباحث پژوهش را می‌توان در قالب چند نکته، بیان داشت:

۱. به رغم تأکید علامه طباطبایی و آیت‌الله معرفت بر صرف وجود «بطن معنایی»، براساس روایات و عملکرد هردو عالم در بحث تأویل به عنوان بطن مصداقی، باید علاوه بر معنا، مصادیق را هم جزء بطن قرآن دانست.
۲. علامه طباطبایی به رغم آن که بطن را دلالت مطابقی می‌داند، در برخی از بطون مذکور در تفاسیر خود، آن را به صورت دلالت التزامی آورده است. به نظرمی‌رسد می‌توان بطن معنایی را دلالت التزامی و بطن مصداقی را دلالت مطابقی دانست.
۳. آیت‌الله معرفت، بطن را فرازمانی دانسته که همه مصادیق مشابه را دربردارد اما لایه و سطحی ندارد. ولی علامه طباطبایی، فهم بطون را لایه‌ای و دارای مراتبی می‌خواند که به نسبت علم عالمان، شدت و ضعف می‌یابد. مبانی علامه «عدم جواز استعمال لفظ در بیش از یک معنا»، «روایت جابر پیرامون بطن» و «نگاه عرفانی علامه در سیر و سلوک» است که

ضمن رد دو مورد اول، می‌توان این‌گونه تصور کرد که فرد با رشد عرفانی به سوی خداوند، افق دید بیش‌تری می‌یابد و می‌تواند معانی بعیدتر بطنی در کنار معنای ظاهری قرآن را دریابد. ۴. علامه بر اساس روایات صحیح، همه آیات را دارای معانی باطنی می‌داند؛ آیت‌الله معرفت نیز که ابتدا قائل به نبود بطن برای آیات الاحکام بود، گویا دچار تطور نظر شده و نظرنهایی ایشان با استناد به روایات مرتبط و به روش ایشان در تفسیر برخی از آیات، بیان‌گر آن است که ایشان نیز گستره آیات دارای بطن را محدود نمی‌کند.

۵. علامه طباطبائی علم به بطون آیات را منحصر در معصومان نمی‌داند، اما دست‌یابی به مراتب آن را در گرو تدبر می‌خواند که با تأمل علمی رقم می‌خورد. اما آیت‌الله معرفت دست‌یابی به بطون را بیش از آن که مرهون درجه علمی مفسر بداند، در گرو فرآیند کشف هدف آیه به شیوه سبر و تقسیم منطقی می‌خواند و در تشخیص خصوصیات اصلی از فرعی کلام، امکان اجتهاد مفسر را فراهم آورده، اما ضمانتی برای رفع خطر تفسیر به رأی وی را در پی ندارد. به نظر می‌رسد باید فرآیند کشف بطن قرآن را دارای سه عنصر مبنایی قلب، عقل و ذوق و مهارت ادبی دانست و نقش طهارت نفس مانند ذوق ادبی، تأثیرگذار است.

منابع

قرآن کریم.

۱. آخوند خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول*، قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بی تا.
۲. آمدی، علی بن محمد، *الاحکام فی اصول الاحکام*، تحقیق سیدالجمیلی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۴ق.
۳. آملی، سیدحیدر، *تفسیرالمحیط الاعظم و البحر الخضم فی تأویل کتاب الله العزیز الحکیم*، تحقیق محسن موسوی، قم: نور علی نور، ۱۴۲۲ق.
۴. ابن تیمیه، تقی الدین، *التفسیر الکبیر*، تحقیق عبدالرحمان عمیره، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
۵. ابن تیمیه، احمد، *الرد علی المنطقیین*، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۶. ابن حزم، علی بن احمد، *المحلی بالاثار*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۵ق.
۷. ابن داوود حلی، تقی الدین، *رجال ابن داوود*؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۸. ابن عجبیه، احمد بن محمد، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، تحقیق: احمد عبدالله قرشی، قاهره: دکتر حسن عباس زکی، ۱۴۱۹ق.
۹. ابن عربی، محیی الدین، *الفتوحات المکیه*، تحقیق عثمان یحیی، قاهره: هیئة المصریه العامه للکتاب، ۱۳۹۲ق.
۱۰. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۱. استرآبادی، محمد امین، *الفوائد الملهیه*، بی جا: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۲. ابن سعد، محمد، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۳. اخوت، احمد رضا، *آشنایی با مقدمات تدبر در قرآن*، تهران: مدرسه دانشجویی قرآن و عترت (ع)، بی تا.
۱۴. اسعدی، محمد و دیگران، *آسیب شناسی جریان های تفسیری (ج ۱)*، چاپ دوم، قم: حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۱۵. اسعدی، محمد، *سایه ها و لایه های معنایی*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵ش.
۱۶. بابایی، علی اکبر، «باطن قرآن کریم»، *مجله معرفت*، قم، شماره ۲۶، ص ۷-۱۶، ۱۳۷۷ش.
۱۷. -----، «تأملی در طولی و نسبی بودن بطون قرآن از منظر علامه طباطبایی»، *نشریه قرآن شناخت*، ش ۸، ص ۱۷۱-۱۸۴، ۱۳۹۰ش.
۱۸. -----، *مکاتب تفسیری ۱*، چاپ ششم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲ش.
۱۹. -----، *مکاتب تفسیری ۲*، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۲۰. -----، «چیستی باطن قرآن از منظر روایات و بررسی دیدگاه ها بر اساس آن»، *فصلنامه علوم حدیث*، ش ۴۴، ص ۱۰-۳۰، ۱۳۸۵ش.
۲۱. بحرانی، سید هاشم، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق: موسسه البعثة، تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحيح بخاری*، تحقیق: قاسم الشعاعی الرفاعی، بیروت: دارالقلم، ۱۴۰۷ق.

۲۳. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ق.
۲۴. بروجردی، حسین، *حاشیه علی کفایه الاصول*، قم: انصاریان، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بی‌جا: دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. رستمی، علی اکبر، *آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان (ع)*، بی‌جا: کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. رضایی اصفهانی، محمد علی، *منطق تفسیر قرآن ۲*، چاپ دوم، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. زرکشی، محمد بن عبدالله، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت: داراحیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۶ ق.
۲۹. حر عاملی، محمد، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: موسسه آل‌البیت، ۱۴۱۲ ق.
۳۰. حلی، حسن بن یوسف؛ *خلاصه الأقوال فی معرفه أحوال الرجال*؛ قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. -----، *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*، تصحیح محسن بیدار، چاپ پنجم، قم: نشر بیدار، ۱۳۷۷ ش.
۳۲. خویی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، قم: مدینه العلم، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. جرجانی، میرسید شریف، *شرح المواقف*، مصر: افست، قم: نشر رضی، ۱۳۲۵ ق.
۳۴. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۳۵. سبحانی، جعفر، *الایمان و الکفر فی الکتاب و السنه*، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳۶. سعیدی روشن، محمد باقر، «جستاری در باطن قرآن»، *مجله کتاب قیم*، یزد، ش ۲، ص ۱۲۵-۱۴۶، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. سیوطی، جلال الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق فوازاحمد زمزلی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۱ ق.
۳۸. -----، *الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۳۹. -----، *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۰. -----، *الامزهر فی علوم اللغه و انواعها*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم و هم‌کاران، بیروت: دارالکتب العربیه، بی‌تا.
۴۱. شاکر، محمدکاظم، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲ ش.
۴۲. شمنخی، مینا، «جریان شناسی باطن گرایی در تفاسیر اسلامی»، *مجله کتاب قیم*، ش ۱۰، ص ۱۲۳-۱۵۲، ۱۳۹۳ ش.
۴۳. شریفانی، محمد، زهرا محب‌پور حقیقی، «تحلیل باطن قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه علمی پژوهشی *مطالعات تفسیری*، شماره ۲۱، ص ۱۷۹-۱۹۲، ۱۳۹۲ ش.
۴۴. صادقی فدکی، سیدجعفر، «بررسی و نقد پنج دیدگاه مطرح درباره تعداد آیات الاحکام قرآن کریم»، *نشریه پژوهش‌های فقهی*، ش ۲۸، ص ۳۵-۶۶، ۱۳۹۰ ش.
۴۵. صدرالمتهین، محمد، *تفسیر القرآن الکریم (الف)*، بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات، ۱۴۱۹ ق.
۴۶. -----، *مفاتیح الغیب (ب)*، بیروت: موسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۹ ق.
۴۷. صدوق، محمد بن علی، *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.

۴۸. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، تحقیق محسن کوچه باغی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۴ق.
۴۹. طباطبایی، حیدر، *پژوهشی تطبیقی در بطون قرآن*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ش.
۵۰. طباطبایی، محمدحسین، *رسالت شیعه در دنیای امروز (گفت‌وگو با هانری کرین)*، به کوشش هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.
۵۱. -----، *الشیعه فی الاسلام*، لبنان: بیت الکاتب، ۱۹۹۹م.
۵۲. -----، *قرآن در اسلام*، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸ش.
۵۳. -----، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۵۴. طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۵۵. طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیرعاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۵۶. طبیب حسینی، سید محمود، *چند معنایی در قرآن کریم*، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹ش.
۵۷. عراقی، ضیاءالدین، *نهایه الافکار*، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق.
۵۸. علوی مهر، حسین و دیگران، *بطن و تأویل قرآن* (کرسی نظریه‌پردازی آیت الله معرفت پیرامون بطن قرآن)، شماره ۳۴، ۱۳۸۴ش.
۵۹. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ق.
۶۰. غروی، سعیده، «طرح و بررسی بطن از دیدگاه آیت الله معرفت»، *نشریه بینات*، شماره ۷۱، ص ۱۰۱-۱۱۴، ۱۳۹۰ش.
۶۱. غزالی، ابوحامد محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۶۲. غضائری، احمد بن حسین، *کتاب الضعفاء* (رجال ابن غضائری)، قم: موسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۶۳. فتاحی زاده، فتحیه و دیگران، «واکاوی نگرش علامه طباطبایی به روایات وارده در تفسیر قرآن کریم با تأکید بر مفاهیم بطن و جری»، *تحقیقات قرآن و حدیث*، ش ۲۶، ص ۱۵۵-۱۸۲، ۱۳۹۴ش.
۶۴. فراء بغوی، حسین بن مسعود، *شرح السنة*، تحقیق شعبی الأرنؤوط، محمد زهیر الشاویش، چاپ دوم، بیروت/دمشق: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۶۶. فضل الله، محمد حسین، «تأملات فی المنهج البیان للقرآن»، *مجله رساله القرآن*، شماره ۹، بی تا.
۶۷. فیض کاشانی ملا محسن، *تفسیر الصافی*، تحقیق حسین اعلمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵ق.
۶۸. قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، بی تا.

۶۹. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷ ش.
۷۰. قمی مشهدی، محمد، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۷۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۷۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۷۳. محمد علی نژاد، روح‌الله، «تدبر در فهم قرآن»، *نشریه سراج منیر*، ش ۲۰، ص ۱۵۹-۱۷۳، ۱۳۹۴ ش.
۷۴. مدرسی سید محمد تقی، *من هدی القرآن*، تهران: دارمحبی الحسین، ۱۴۱۹ ق.
۷۵. معرفت، محمد هادی، *التأویل فی مختلف المذاهب والآراء*، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ ق.
۷۶. -----، *التفسير الاثرى الجامع*، قم: التمهيد، ۱۴۲۹ ق.
۷۷. -----، *التمهيد فی علوم القرآن*، قم: التمهيد، ۱۳۸۸ ش.
۷۸. -----، *التفسير والمفسرون في ثوبه التفسير*، مشهد: الجامعه الرضويه، ۱۴۱۸ ق.
۷۹. -----، *علوم قرآنی*، قم: التمهيد، ۱۳۸۱ ش.
۸۰. مفید، محمد بن نعمان، *التذکره باصول الفقه*، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۸۱. المناوی، محمد بن عبد الرئوف، *فیض التقدیر فی شرح الجامع الصغیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۸۲. موسوی خمینی، روح‌الله، *آداب الصلوه*، تهران: تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۰ ش.
۸۳. نجاشی، احمد بن علی، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
۸۴. نکونام، جعفر، «روش تفسیر باطن قرآن»، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث*، شماره ۲، ۱۳۸۲ ش.
۸۵. هاشمی، سید حسین، «ظهر و بطن قرآن»، *فصلنامه قبسات*، قم: شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۹ ش.
86. Montagu, George., *Understanding the Bible: A Basic Introduction to Biblical Interpretation*, S.M. PAULIST PRESS New York, 1997.

Bibliography

The Noble Qur'an.

Other References

- 'Alavi Mehr, Hosayn et. al., *Ban va Ta'wil-e Qur'an (Korsi-ye Nazariye Pardāzi-ye Āyatolāh Ma'refat Pirāmoun-e Batn-e Qur'an)*, Issue 34, 1384 S.H.
- 'Arāqi, Ziyā' al-Din, *Nahāya al-Afkār*, Qom: Nashr-e Islāmi, 1405 A.H.
- Ākhound Khorāsāni, Mohammad Kāzem, *Kefāyah al-'Osoul*, Qom: Āl al-Bayt le-Ehyā' al-Tortah Institute, N.D.
- 'Ajibah, Ahmad Ibn Mohammad, *al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid*, Researched by Ahmad 'Abdollah Qarshi, Cairo: Dr. Hasan 'Abbās Zakki, , 1419 A.H.
- Al-Manāvi, Mohammd Ibn 'Abd al-Ra'ouf, *Fayz al-Qadir fi Sharh al-Jāme' al-Saghir*, Beirut: Dār al-Kotob al-Elmiyah, 1415 A.H.

- Āmadi, 'Ali Ibn Mohammad, *al-Ahkām fi 'Osoul al-Ahkām*, Researched by Seyyed al-Jamili, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1404 A.H.
- Āmoli, Seyyed Heydar, *Tafsir al-Mohit al-A'zam va al-Bahr al-Khazm fi Ta'wil Ketāb Allāh al-'Aziz al-Hakim*, Researched by Mohsen Mousavi, Qom: Nour 'Ali Nour, 1422 A.H.
- As'adi, Mohammad & et. al., *Āsib Shenāsi-ye Jaryānha-ye Tafsiri (Vol. 1)*, 2nd ed., Qom: Howzah & University, 1390 S.H.
- As'adi, Mohammad, *Sāyeha va Lāyeha-ye Ma'nāii*, Qom: Boustān-e Ketāb, 1385 S.H.
- 'Ayyāshi, Mohammad Ibn Mas'oud, *Tafsir al-'Ayyāshi*, Researched by Hāshem Rasouli Mahallati, Tehran: Mat'abah al-'Elmiyah, 1380 A.H.
- Bābāyi, 'Ali Akbar, Bāten-e Qur'ān-e Karim, *Journal of Ma'refat*, Qom: Issue 26, pp. 7-16, 1377 S.H.
- Bābāyi, 'Ali Akbar, Chisti-ye Bāten-e Qur'ān az Manzar-e Rawāyāt va Barresi-ye Didgāh-ha bar Asās-e Ān, *Quarterly Journal of 'Oloum-e Hadith*, Issue 44, pp. 10-30, 1385 S.H.
- Bābāyi, 'Ali Akbar, *Makāteb-e Tafsiri-e 1*, 6th ed., Qom: Research Institute of Hawzah and University, 1392 S.H.
- Bābāyi, 'Ali Akbar, *Makāteb-e Tafsiri-e 2*, 6th ed., Qom: Research Institute of Hawzah and University, 1392 S.H.
- Bābāyi, 'Ali Akbar, Ta'ammoli dar Touli va Nesbi Boodan-e Botoun-e Qur'ān az Manzar-e 'Allāma Tabātabā'i, *Journal of Qur'ān Shenakht*, Issue 8, pp. 171-184, 1390.
- Bahrāni, Seyyed Hāshem, *al-Borhān fi Tafsir al-Qur'ān*, Researched by al-Be'that Institute, Qom: Be'that Foundation, 1416 A.H.
- Barqi, Ahmad Ibn Mohammad, *al-Mahāsen*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1370 A.H.
- Bokhāri, Mohammad Ibn Ismā'il, *Sahih al-Bokhāri*, Researched by Qāasem al-Sho'ā'i al-Refā'i, Beirut: Dār al-Qalam, 1407 A.H.
- Boroujerdi, Hosayn, *Hāshiyah 'alā Kefāyah al-Osoul*, Qom: Ansāriyān, 1412 A.H.
- Farāhidi, Khalil Ibn Ahmad, *Ketāb al-'Ayn*, 2nd ed., Qom: Hejrat.
- Farrā' Baghavi, Hosayn Ibn Mas'oud, *Sharh al-Sonnah*, Researched by Sho'ayb al-Arna'out, Mohammad Zahir al-Shāwish, 2nd ed., Beirut/Damascus: al-Maktab al-Islāmi, 1403 A.H.
- Fattahi Zādeh, Fathiyeh et. al., Vākāvi-ye Negaresh-e 'Allāma Tabātabā'i be Revāyāt-e Vāredeh dar Tafsir-e Qur'ān-e Karim bā Ta'kid bar Mafāhim-e Batn va Jari, *Tahqiqāt-e Qur'ān va Hadith*, Issue 26, pp. 155-182, 1394 S.H.
- Fazlollāh, Mohammad Hosayn, Ta'ammolāt fi al-Monhaj al-Bayān lel-Qur'ān, *Journal of Resāla al-Qur'ān*, Issue 9, N.D.
- Feyz Kāshāni, Mollā Mohsen, *Tafsir al-Sāfi*, Researched by Hosayn A'lami, 2nd., Tehran: al-Sadr, 1415 A.H.
- Gharavi, Sa'ideh, Tarh va Barresi-ye Batn az Didgāh-e Āyatollah Ma'refat, *Journal of Bayyenāt*, Issue 71, pp. 101-114, 1390 S.H.
- Ghazā'eri, Ahmad Ibn Hosayn, *Ketāb al-Zo'afā' (Rejāl Ibn Ghazā'eri)*, Qom: Ismā'iliyān, 1364 S.H.
- Ghazāli, Abou Hāmed Mohammad, *Ehyā' 'Oloum al-Din*, Beirut: Dār Ehā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.
- Hāsemi, Heyyed Hosayn, Zahr va Batn-e Qur'ān, *Quarterly Journal of Qabasāt*, Qom: Issue 21 & 22, 1379 S.H.

- Helli, Hasan Ibn Yousof, *al-Jowhar al-Nazid fi Sharh Manteq al-Tajrid*, Edited by Mohsen Bidār, 5th ed., Qom: Bidār, 1377 S.H.
- Helli, Hasan Ibn Yousof, *Hasan Ibn Yousof, Kholāseh al-Aqwāl fi Ma'refah Ahwāl al-Rejāl*, Qom: Dār al-Zakhā'er, 1411 A.H.
- Horr 'Āmeli, Mohammad, *Vasā'el al-Shi'ah elā Tahsil Masā'el al-Shari'ah*, Qom: Āl al-Bayt Institute, 1412 A.H.
- Ibn 'Arabi, Mohy al-Din, *al-Fotouhāt al-Makkiyah*, Researched by 'Othmān Yahyā, Cairo: al-'Āmmah lel-Ketāab, 1392 S.H.
- Ibn Dāvoud Helli, Taqī al-Din, *Rejāl Ibn Dāvoud*, Tehran: Tehran University Publication, 1383 A.H.
- Ibn Fāres, Ahmad, *Mo'jam Maqā'is al-Loghah*, Researched by 'Abd al-Salām Hāroun, Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmi, 1404 A.H.
- Ibn Hazm, 'Ali Ibn Ahmad, *al-Mohalla bel-Āthār*, Beirut: Dār al-Fekr, 1395 A.H.
- Ibn Sa'd, Mohammad, *al-Tabaqāt al-Kobrā*, Beirut: Dār Beirut, 1405 A.H.
- Ibn Taymiyah, Ahmad, *al-Radd 'alā al-Manteqiin*, Beirut: Dār al-Ma'refah, N.D.
- Ibn Taymiyah, Taqī al-Din, *Tafsir al-Kabir*, Researched by 'Abd al-Rahmān 'Omayrah, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1408 A.H.
- Istar Ābādi, Mohammad Amin, *al-Fawā'id al-Madaniyah*, N.P: al-Nashr al-Islāmi, 1424 A.H.
- Javādi Āmoli, 'Abdollah, *Tafsir-e Tasnim*, Qom: Asrā', 1383 S.H.
- Jorjāni, Mir Seyyed Sharif, *Sharh al-Mawāqef*, Egypt, Ofset, Qom: Razi, 1325 A.H.
- Khoyi, Abolqāsem, *Mo'jam Rejāl al-Hadith*, Qom: Madīna al-'Elm, 1409 A.H.
- Kolayni, Mohammad Ibn Ya'qoub, *al-Kāfi*, Tehran: dār al-Ketāb al-Islāmiyah, 1407 A.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *'Oloum-e Qur'āni*, Qom: al-Tamhid, 1381 S.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *al-Ta'wil fi Mokhtalef al-Mazāheb val-Ārā'*, Tehran: al-Majma' al-'Ālami lel-Taqrīb bayn al-Mazāheb al-Islāmiyah, 1427 A.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *al-Tafsir al-Athari al-Jāme'*, Qom: al-Tamhid, 1429 A.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *al-Tafsir val-Mofasseroun fi Thawbah al-Qashib*, Mashhad: al-Jāme'ah al-Razawiyah, 1418 A.H.
- Ma'refat, Mohammad Hādi, *al-Tamhid fi 'Oloum al-Qur'ān*, Qom: al-Tamhid, 1388 S.H.
- Majlesi, Mohammad Bāqer, *Behār al-Anwār*, Beirut: al-Vafā' Institute, 1404 A.H.
- Modarresi, Seyyed Mohammad Taqī, *Man Hadā al-Qur'ān*, Tehran: Dār Mohebbi al-Hosayn, 1419 A.H.
- Mofid, Mohammad Ibn Na'mān, *al-Tazkerah be-Osoul al-Feqh*, Beirut: Dār al-Mofid, 1414 A.H.
- Mohammad 'Ali Nezhād, Rouhollah, Tadabbor dar Fahm-e Qur'ān, *Journal of Serāj-e Monir*, Issue 20, pp. 149-173, 1394 S.H.
- Montagu, George, *Understanding the Bible: A Basic Introduction to Biblical Interpretation*, New York: PAULIST PRESS, 1997.
- Mousavi Khomayni, Rouhollah, *Ādāb al-Salāt*, Tehran: Arrangement and Publication of Imām Khomayni's Works, 1370 S.H.
- Najāshi, Ahmad Ibn 'Ali, *Fehrest-e Asmā' Mosanfi al-Shi'ah*, Qom: Jāme'ah Modarresin, 1407 A.H.
- Nekounām, Ja'far, Ravesh-e Tafsir-e Bāten-e Qur'ān, *Research Journal of Qur'ān va Hadith*, Issue 2, 1382 S.H.

- Okhowwat, Ahmad Rezā, *Āshnāii bā Moqaddamāt-e Tadabbor dar Qur'ān*, Tehran: Qur'ān va 'Etrat School, N.D.
- Qomi Mashhadi, Mohammad, *Tafsir Kanz al-Daqā'eq va Bahr al-Gharā'eb*, Researched by Hosayn Dargāhi, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance, Sāzmān-e Chāp va Nashr, 1368 S.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim, *Tafsir-e Qomi*, Researched by Seyyed Tayyeb Mousavi Jazāyeri, 4th ed., Qom: Dār al-Ketāb, 1376 S.H.
- Qortobi, Mohammad Ibn Ahmad, *al-Jāme' le-Ahkām al-Qur'ān*, Tehran: Nāser Khosrow, N.D.
- Rāgheb Isfahāni, Hosayn Ibn Mohammad, *al-Mofradāt fi Gharib al-Qur'ān*, N.P: Nashr-e Ketāb, 1404 A.H.
- Rezā'i Isfahāni, Mohammad 'Ali, *Manteq-e Tafsir-e Qur'ān 2*, 2nd ed., Qom: The World Center of Islamic Sciences, 1385 S.H.
- Rostami, Sa'idi Rowshan, Mohammad Bāqer, Jostāri dar Bāten-e Qur'ān, *Journal of Ketāb-e Qayyem*, Yazd: Issue 2, pp. 12-146, 1390 S.H.
- Sādeqi Fadaki, Seyyed Ja'far, Barresi va Naghd-e Panj Didgāh-e Matrah darbāreh Te'dād-e Āyāt al-Ahkām-e Qur'ān-e Karim, *Journal of Feqhi Researches*, Issue 28, pp. 35-66, 1390 S.H.
- Sadouq, Mohammad Ibn 'Ali, *Ma'āni al-Akhbār*, Researched by 'Ali Akbar Ghaffāri, Qom: Daftar Inteshārāt Islāmi, 1403 A.H.
- Sadr al-Mote'ahhelin, *Mafātiḥ al-Ghayb (B)*, Beirut: al-Tārikh al-'Arabi, 1419 A.H.
- Sadr al-Mote'ahhelin, Mohammad, *Tafsir al-Qur'ān al-Karim (A)*, Beirut: Dār al-Ta'ārif lel-Matbou'āt, 1419 A.H.
- Saffār, Mohammad Ibn Hasan, *Basā'er al-Darajāt fi Fazā'el Āl-e Mohammad Sal Allāh 'Alayhem*, Researched by Mohsen Kpuche Bāghi, 2nd ed., Qom: Āyatollāh Mar'ashi Najafi Library, 1404 A.H.
- Shāker, Mohammad Kāzem, *Mabāni va Raveshhā-ye Tafsiri*, Qom: The World Center of Islamic Sciences, 1382 S.H.
- Shamkhi, Minā, Jaryān Shenāsi-ye Bāten Gerāyi dar Tafāsir-e Islāmi, *Journal of Ketāb-e Qayyem*, Issue 10, pp. 123-152, 1393 S.H.
- Sharifāni, Mohammad & Moheb Pour Haqiqi, Zahrā, Tahlil-e Bāten-e Qur'ān az Didgāh-e Allāma Tabātabā'i, *Scientific and Research Quarterly Journal of Tafsiri (Exegetical) Reseaches*, Issue 21, pp. 179-192, 1392 S.H.
- Sobhāni, Ja'far, *al-Imān va al-Kofr fi al-Ketāb val-Sonnah*, N.P: N.N, N.D.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *al-Dor al-Manthour fi Tafsir al-Ma'thour*, Qom: Āyatollāh Mar'ashi Najafi Library, 1404 A.H.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *al-Itqān fi 'Oloum al-Qur'ān*, Researched by Fo'āz Ahmad Zomarli, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1421 A.H.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *al-Mezhar fi 'Oloum al-Loghah va Anwā'ohā*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrāhim et. al., Beirut: Dār al-Kotob al-'Arabiyah, N.D.
- Soyouti, Jalāl al-Din, *Jāme' al-Saghir fi Ahādith al-Bashir al-Nazir*, Beirut: Dār al-Fekr, 1401 A.H.
- Tabātabā'i, *al-Shi'ah fi al-Islām*, Lebanon: Bayt al-Kāteb, 1999.
- Tabātabā'i, Heydar, *Pazhouheshi Tatbiqi dar Botoun-e Qur'ān*, Qom: Pazhouhesh-hāye Tafsir va 'Oloum-e Qur'ān, 1387 S.H.
- Tabari, Abou Ja'far Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān fi Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: Dar al-Ma'refah, 1412 A.H.

- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *al-Mizān fi Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: lel-Matbou'āt, 1390 A.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *Qur'ān dar Islām*, Qom: Boustān-e Ketāb, 1388 S.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *Resālate Shi'a dar Donyā-ye Imrouz (Goftegou bā Henry Corbin)*, With the Attempt of Hādi Khosrow Shāhi, Qom: Boustān-e Ketāb, 1387 S.H.
- Tayyeb Hosayni, Seyyed Mahmood, *Chand Ma'nāyi dar Qur'ān-e Karim*, 2nd ed., Qom: Howza & University Research Institute, 1389 S.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-Tebyān fi Tafsir al-Qur'ān*, Researched by Ahmad Qasir 'Āmeli, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.
- Zarkashi, Mohammad, *al-Borhān fi 'Oloum al-Qur'ān*, Beirut: Dār Ehyā' al-Kotob al-'Arabiyah, 1376 S.H.





فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از ناظرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِيّ» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیانفر | سید محمود طیب حسینی

